



مقاله با موضوع

حضرت معصومه؛ زینب ثانی

تاریخ گویای این حقیقت تلخ است که حکومت بنی امیه و بنی عباس، هر دو از دشمنان قسم خورده نبوت و ولایت بودند و این کینه توزی با اسلام ناب را با جنایات مختلفی نشان می دادند؛ با این تفاوت که این نظام جبار بنی امیه به شکلی علنی، شمشیر برهنه ای شده بود و قلوب خاندان ولایت را می شکافت و در نشان دادن این جنایات آن چنان اصرار می ورزید که دیگر حتی پدر، جرأت نداشت به فرزند خود بگوید که از نسل اولاد علی (ع) است.

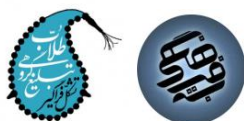
اما شیوه حکومت بنی عباس، ظاهری آرام و باطنی کینه توز و خصمانه داشت و بعضی اوقات مردم نیز تحت تأثیر این گونه رفتارهای منافقانه قرار می گرفتند.

مردم ایران در آن روزگار علاقه وافری به خاندان ولایت و اهل بیت داشتند و حتی با وجود حاکمیت استبداد عباسی در قلمرو اسلامی، از ابراز علاقه خود به آنان خودداری نمی کردند. در این میان عده ای بر این باورند که این علاقه به دلیل ازدواج امام حسین (ع) با دختر یزدگرد سوم است، اما شواهد تاریخی نشان می دهند که این علاقه ریشه الهی دارد.

نقل شده است زمانی که آیه: «ان یشاء یذهبکم ایها الناس و یات باخرین و کان الله علی ذالک قدیراً»

ای مردم اگر خداوند بخواهد می تواند شما را از این دنیا ببرد و قومی دیگر را جانشین شما سازد و خداوند بر این کار قادر است» بر پیامبر نازل شد، آن حضرت دست بر شانه سلمان فارسی گذاشت و فرمود: «آنان هموطنان سلمان هستند».

در حقیقت پیامبر اسلام با این سخن، آینده ملت ایران را پیش بینی نمود و وظیفه خطیر آنان را گوشزد کرد.



دلیل دیگر علاقه ایرانیان به اهل بیت، عدالت خواهی فطری ایرانی ها و بی عدالتی پادشاهان فاسد و خودسران کشور بوده است؛ همان حکام جباری که قرآن از آنان به نام مترف و مستکبر یاد می کند. به طور کلی علت اصلی علاقه ایرانیان به خاندان امامت، فطرت عدالت خواهی آنان و عادل بودن ائمه اطهار بوده است.

البته علاقه ای که ریشه هزار ساله دارد، به دور از عوامل سطحی و زودگذر است. حکومت بنی عباس نیز از وجود این علاقه با خبر بود و می دانست که خبر اسارت امام موسی بن جعفر (ع) خشم مردم ایران را علیه حاکمان جبار بنی امیه و بنی عباس برانگیخته و امکان دارد که ایرانیان دست به قیامی همه جانبه بزنند و حکومت بنی عباس را سرنگون کنند. از این رو، در پی چاره جویی برآمدند و از آن جا که با رشادت های ملت ایران آشنا بودند، شمشیر را چاره کار ندانستند و نقشه ولایتعهدی (اجباری) امام علی بن موسی الرضا (ع) را مطرح کردند.

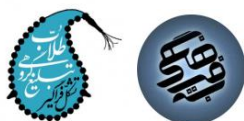
با این ترفند مودیان، هم خطر قیام مردم ایران را از میان بردند و هم امام هشتم را تحت نظر گرفته و رابطه مردم با ایشان را قطع نمودند. به این ترتیب دسترسی به امام هشتم (ع) بسیار مشکل و حتی غیر ممکن شد و مردم مجبور بودند از طریق عوامل حکومتی خبرهای مربوط به ائمه را دریافت نمایند.

نقش حضرت معصومه (س) در مبارزه با حکومت بنی عباس

همان گونه که می دانید، امامان معصوم دارای خواهران دیگری هم بوده اند، پس چه دلیلی دارد که در میان همه آنان، حضرت زینب و حضرت معصومه (س) دخت گراند امام موسی بن جعفر (ع) با ابعاد متفاوت، همان ویژگی سفر حضرت زینب را در بر دارد، و در آن مرحله از تاریخ، حضرت معصومه (س) همان رسالتی را به عهده داشت که حضرت زینب (س) بعد از ماجرای خونین کربلا عهده دار آن شده بود. زیرا در آن روزگار، ظلم و خفقان دستگاه بنی عباس در همه جا سایه افکنده بود. و حضرت معصومه و برادرش احمد بن موسی و چند تن از خواص دیگر، تنها شخصیت هایی بودند که از توطئه نظام بنی عباس آگاهی داشتند و عواقب چنین توطئه ای را هم پیش بینی می کردند.

بدین جهت، حضرت معصومه (س) برای افشای چنین خیانتی عازم شهرهای ایران شده و به افشاگری علیه آنان پرداخت.

در واقع در سال ۲۰۱ هـ. ق. یک سال پس از سفر تبعید گونه حضرت رضا (ع) به «مرو» حضرت فاطمه معصومه (س) همراه عده ای از برادران خود برای دیدار برادر و انجام رسالتی که بر عهده داشتند تجدید عهد با امام زمان خویش راهی دیار غربت شد. در طول راه به شهر ساوه رسیدند، ولی از آن جا که در آن زمان عده ای از اهالی از مخالفان اهل بیت بودند، با مأموران حکومتی همراهی نموده و با همراهان حضرت وارد نبرد و جنگ شدند و عده ای از همراهان حضرت در این حادثه غم انگیز



به شهادت رسیدند. حضرت در حالی که از غم و حزن بسیار، بیمار شده بود، با احساس نا امنی در شهر ساوه فرمود: مرا به شهر قم ببرید، زیرا از پدرم شنیدم که فرمود: «شهر قم مرکز شیعیان ماست.» سپس حضرت به طرف قم حرکت نمود.

بزرگان قم وقتی از این خبر مسرت بخش مطلع شدند، به استقبال آن حضرت شتافتند. و در حالی که «موسی بن خزرج» بزرگ خاندان «اشعری» زمام شتر آن مکرمه را به دوش می کشید؛ ایشان در میان شور و احساسات مردم قم وارد آن شهر شد و در منزل شخصی «موسی بن خزرج» اجلال نزول فرمود. آن بزرگوار هفده روز در شهر قم به سر برد و در این مدت مشغول عبادت و راز و نیاز با پروردگار متعال بود و واپسین روزهای عمر پر برکت خویش را با خضوع و خشوع در برابر ذات پاک الهی به پایان رساند.

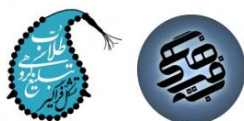
سرانجام آن همه شوق و شور و شعف از «اجلال نزول کوکب ولایت و توفیق زیارت بانویی از تبار فاطمه اطهر» با افول نجمه آسمان عصمت و طهارت، مبدل به دنیایی از حزن و اندوه شد، و این غروب غم انگیز، عاشقان امامت و ولایت را در سوگ و عزا نشاند.

در خصوص علت بیماری نابهنگام حضرت و مرگ زودرس آن بزرگوار، گفته شده است که زنی در شهر ساوه ایشان را مسموم نمود. این مطلب با توجه به درگیری دشمنان اهل بیت با همراهان حضرت و شهادت عده ای از آن ها در «ساوه» و جو نامساعد آن شهر و حرکت نابهنگام آن بزرگوار در حال بیماری به سوی شهر قم، بعید به نظر نمی رسد.

آری، آن حضرت که می رفت زینبوار با سفر پربرکتش سند گویایی بر حقانیت امامت رهبران راستین و افشاگر چهره نفاق و تزویر مأمونی باشد و همانند قهرمان کربلا پیام آور خون سرخ برادری باشد که این بار مزدورانه به قتلگاه «بنی عباس» برده می شد، ناگاه تقدیر الهی بر این قرار گرفت که مرقد آن بزرگوار حامی خط ولایت و امامت قرار گیرد و برای همیشه تاریخ فریادگر مبارزه با ظلم و بی عدالتی ستم پیشگان دوران و الهام بخش پیروان راستین تشیع علوی در طول قرون و اعصار باشد.

بعد از وفات شفیعه روز جزا که در دهم ربیع الثانی سال ۲۰۱ هـ ق در ۲۸ سالگی آن حضرت اتفاق افتاد، ایشان را غسل داده و کفن نمودند و سپس به سوی قبرستان «بابلان» تشییع کردند، ولی به هنگام دفن آن بزرگوار، به دلیل نبودن محرم، «آل سعد» دچار مشکل شدند و سرانجام تصمیم گرفتند که پیرمردی به نام «قادر» این کار را انجام دهد.

ولی قادر و حتی بزرگان و علمای شیعه قم هم لایق نبودند عهده دار این امر مهم شوند؛ چرا که معصومه اهل بیت را باید امام معصوم (ع) به خاک سپارد.



مردم منتظر آمدن «آن پیرمرد صالح» بودند که ناگهان دو سوار را دیدند که از جانب ریگزار به سوی آنان می آیند. وقتی نزدیک جنازه رسیدند، پیاده شده و بر جنازه نماز خواندند و جسم پاک ریحانه رسول خدا را در داخل سردابی «که از قبل آماده شده بود» دفن کردند و بدون این که با کسی تکلم نمایند، سوار شده و رفتند و کسی هم آن ها را نشناخت.

به قول یکی از بزرگان، هیچ بعید نیست که این دو بزرگوار، امامان معصومی باشند که برای این مهم به قم آمدند.

پس از به پایان رسیدن مراسم دفن، موسی بن خزرج سایبانی از حصیر و بوریا بر قبر شریف آن بزرگوار بر افراشت و این سایبان بر قرار بود تا زمانی که حضرت زینب، دختر امام جواد(ع)، وارد قم شد و قبه ای آجری بر آن مرقد مطهر بنا کرد. و بدین سان تربت پاک آن بانوی بزرگ اسلام قبله گاه قلوب ارادتمندان به اهل بیت(ع) و دارالشفای دلسوختگان عاشق ولایت و امامت شد.

مقام و منزلت معنوی حضرت معصومه(س)

امام جواد(ع) فرمود: من زار عمتی بقم فله الجنة

یعنی: هر کس عمه مرادش شهر قم زیارت کند، بهشت بر او واجب است..

حضرت معصومه(س) بانویی آگاه از حوادث روز و محدثه ای سخنور و معلمه ای توانا بوده است و شاگردان زیر نظر ایشان به تعلیم اصول اسلامی مشغول بوده اند. همچنین کرامات زیادی از ایشان نقل شده است که نشان می دهد این بانوی مؤمنه و دریادل از روحی بزرگ و شأنی رفیع در پیشگاه خداوند برخوردار است.

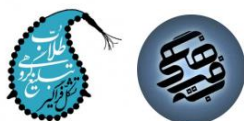
امام صادق(ع) می گوید: «الا ای قم حرمی... تقبض فیها امرأه من ولدی و اسمها فاطمه بنت موسی یدخل بشفاعتها شیعتی الجنة باجمعهم».

«ای مردم! شهر قم حرم من است، بانویی از فرزندان من در این شهر در می گذرد که نامش فاطمه دختر موسی است و شیعیان در روز قیامت با شفاعت او به بهشت می روند».

در روایتی دیگر از امام رضا(ع) آمده است:

من زارها عارفاً بحقها فله الجنة

کسی که قبر فاطمه دختر موسی بن جعفر را آن گونه که شایسته اوست زیارت کند، بهشت از آن اوست .
نقل شده است که آیه:



«ان یشا یذهبکم ایهاالناس و یات باخرین و کان الله علی ذالک قدیراً»

ای مردم اگر خداوند بخواهد می تواند شمارا از این دنیا ببرد و قومی دیگر راجانشین شما سازد و خداوند بر این کار قادر است»
بر پیامبر نازل شد، آن حضرت دست بر شانه سلمان فارسی گذاشت و فرمود: «آنان هموطنان سلمان هستند».

منبع: سایت تبیان

